

## بررسی نقش و جایگاه زنان روستایی در تولید و توسعه کشاورزی

عباس طرهانی<sup>۱</sup>، سعید جاهدی پور<sup>۲</sup>، آتنا میربلوک<sup>۳</sup>، وجیهه شاهسونی<sup>۴</sup>

\* Email: Tarhani\_abas@yahoo.com

### چکیده

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش آن در توسعه و پیشبرد کشور بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست اندرکاران امر، تحقق این امر، در گرو توسعه منابع انسانی است، توسعه منابع انسانی پیش شرط دستیابی به توسعه پایدار روستایی است. نقش زنان روستایی در محیط مزرعه و منزل موثر و مشهود است. عدم حضور زنان روستایی در سازمانها و نهادهای رسمی، واقعیتی است که ریشه در کمبودها، نارساییها، بی توجهی ها و امکاناتی دارد که زمانی که با عناصر فرهنگی و اصول حاکم بر تفکر و تلقی برنامه ریزان و مدیران و عامه مردم همراه می شود، موانع متعددی همچون عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی، در مسیر مشارکت زنان وجود دارد. به مرور زمان زن روستایی را به بی قابلیت و بی منزلتی می کشاند. از آنجایی که زنان روستایی در جامعه ما و بسیاری از کشورهای در حال توسعه گرفتار معضلات و کاستیهای فراوان هستند، پرداختن به نقش و جایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان در فرآیند توسعه روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به همین منظور توانمندسازی و آموزشهای متناسب با فعالیت و پیشه زنان در ابعاد و عرصه های مختلف زندگی جهت ارتقاء بینش، دانش و نگرش آنان اهمیتی خاص داشت. در مقاله حاضر سعی شده است به نقش و جایگاه زنان روستایی در تولید و توسعه کشاورزی پرداخته شود.

**واژه های کلیدی:** توسعه پایدار روستایی، زنان، موانع مشارکت، توانمند سازی.

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا، گرایش برنامه ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، کارشناس ارشد و پژوهشگر اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان رضوی

۲- دانشجوی دکتری کشاورزی (آگرواکولوژی) دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناس ارشد و پژوهشگر اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان رضوی

۳- دانشجوی دکتری خاکشناسی دانشگاه ارومیه، مدیر گروه کشاورزی دانشگاه پیام نور فریمان

۴- دانش آموزانه کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی مازندران

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشور بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست اندرکاران امر، تحقق این امر مهم بیش از هر چیز دیگری در گرو توسعه منابع انسانی است به همین اعتبار اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکارناپذیر می نماید. پس توسعه منابع انسانی عامل کلیدی و پیش شرط دستیابی به توسعه پایدار روستایی است و رسیدن به اهداف توسعه بدون استفاده از نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان، امری غیر ممکن خواهد بود و به همین دلیل زنان روستایی آموزش دیده نقش موثری در توسعه روستایی خواهند داشت. زنان روستایی نقش موثری در فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی را انجام می دهند. طبق آمار موجود حدود ۶/۵ میلیون نفر از زنان روستایی بطور مستقیم در کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی حضور فعال دارند علاوه بر این دختران روستایی نیز از کودکی به فعالیت کشاورزی و دامپروری مشغول می شوند. زنان روستایی جمعیت قابل ملاحظه ای از جوامع مختلف را تشکیل می دهند. در کنار کار کشاورزی، تقریباً تمامی فعالیتهای مربوط به خانه، اعم از پخت و پز، نگهداری بچه ها و نظافت منزل نیز به عهده زنان روستایی می باشد. نقش زنان روستایی در توسعه روستایی، در برگیرنده تلاش برای شناسایی هر چه دقیقتر و ارزش گذاری فعالیت آنان و رفع مسایل و موانع بر سر راه گسترش فعالیت زنان روستایی در مسیر توسعه روستایی می باشد. پرواضح است منطق توجیه کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیتهای بالقوه منابع انسانی زنان، جهت امر توسعه می باشد. رشد تولیدات کشاورزی، استفاده بهتر از منابع کمیاب، کاربرد بهینه سرمایه، ایجاد فرصتهای شغلی، توزیع مجدد درآمد، ارتقاء سطح زندگی و مشارکت جمعیت روستایی در تمشیت امور در جامعه از استراتژیهای توسعه روستایی است. از سال ۱۳۴۹ همزمان با طرح مسایل زنان و نقش آنان در توسعه، تأثیر و چگونگی نقش زنان روستایی در توسعه و بخصوص توسعه کشاورزی مورد توجه بوده است و دلیل این امر، نقش انکارناپذیر زنان روستایی در فعالیتهای مختلف جوامع روستایی می باشد. زنان روستایی در اکثر جوامع، نیروی عمده کار کشاورزی را تشکیل می دهند. شواهد موجود حاکی است که در آفریقا حدود ۷۵ درصد از نیروی کار کشاورزی را زنان تشکیل می دهند. در آمریکای لاتین و خاورمیانه زنان به عنوان عضو خانوار، یا در مواقع مهاجرتهای برون مرزی مردان، به میزان قابل توجهی درگیر کارهای کشاورزی هستند. فعالیتهای مربوط به کاشت، داشت و برداشت محصول، نگهداری و مراقبت از دام و طیور و برخی فعالیتهای مربوط به بازاریابی و فروش محصولات از جمله زمینه های مشارکت زنان در کار کشاورزی به شمار می روند. در کنار کار کشاورزی، تقریباً تمامی فعالیتهای مربوط به خانه، اعم از پخت و پز، نگهداری بچه ها و نظافت منزل نیز به عهده زنان روستایی می باشد. توجه به نقش زنان روستایی در توسعه روستایی، در برگیرنده تلاش برای شناسایی هر چه دقیقتر و ارزش گذاری فعالیت آنان و رفع مسایل و موانع بر سر راه گسترش فعالیت زنان روستایی در مسیر توسعه روستایی می باشد. پرواضح است منطق توجیه کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیتهای بالقوه منابع انسانی جهت امر توسعه می باشد.

## ۲- بیان مساله

برای توسعه تعاریف مختلفی آورده شده است. بعضی از این تعاریف به قرار زیر است:

توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی تر است ... برای درک معنای درونی توسعه باید حداقل سه ارزش اصلی به عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته شود. این ارزشهای اصلی عبارتند از: معاش زندگی، اعتماد به نفس و آزادی که نمایانگر هدفهای مشترکی است که به وسیله تمام افراد و جوامع دنبال می شود(۱). توسعه به مثابه پروسه ای بغرنج در واقع تکامل ابزار و وسایل تولید کالا و ارائه خدمات و شکوفایی و بالندگی مجموعه نهادها

و سازمانهای مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و تحول بنادین در کلیه شئون و عرصه های حیات اجتماعی است (۲). توسعه، فرآیندی است که موجب رشد کمی تولیدات کالا و خدمات می شود و در روند آن پدیده های ناباب اجتماعی (نظیر فقر و محرومیت یا بیسوادی و غیره) از بین می روند و ضمن حصول استقلال اقتصادی و تقویت بنیه مالی و مادی جامعه، تحقق عدالت اجتماعی، ترقی فرهنگی، علمی و فنی صورت می پذیرد (۳). توسعه به فراگردی گفته می شود که در آن جامعه از وضع نامطلوبی به وضع مطلوبی متحول می شود. این فراگرد تمامی نهادهای جامعه را در بر می گیرد و ماهیت آن اساسا آن است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل در می آید. به عبارت دیگر در فرآیند توسعه، استعدادهای سازماندهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفا می شود. چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (۴). بنابراین توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.

### ۳- توسعه روستایی

توسعه روستایی مفهومی جامع و چند بعدی بوده که در برگیرنده رشد کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن (صنایع دستی و صنایع روستایی)، زیربنایهای اقتصادی - اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و مهمتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستایی است. استراتژیهای توسعه روستایی بر هفت هدف مشخص بنا نهاده شده اند که عبارتند از: رشد تولیدات کشاورزی، استفاده بهتر از منابع کمیاب، کاربرد بهینه سرمایه، ایجاد فرصتهای شغلی، توزیع مجدد درآمد، ارتقاء سطح زندگی و مشارکت جمعیت روستایی در تمشیت امور در جامعه. بدین ترتیب زنان روستایی با توجه به نقش و مسؤلیتهایی که در محیط مزرعه و منزل دارند عهده دار وظایف تولیدی و خدماتی مختلفی می باشند که مسلما در نیل به توسعه روستایی بسیار مؤثر می باشد.

### ۴- برنامه های توسعه و زنان روستایی

کنفرانس جهانی «اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی (WCARRD) در سال (۱۳۵۸ و ۱۹۷۹م) اعلام داشت که زنان روستایی باید به صورت برابر در روند توسعه روستایی مشارکت داشته باشند. ابعادی مانند برابری در پایگاه قانونی، دسترسی به منابع روستایی و خدمات، فرصت مساوی در آموزش و اشتغال، گردآوری اطلاعات در مورد زنان روستایی و حمایت از تشکلهای، مواضع رسمی برنامه این کنفرانس بود. هدف اصلی این برنامه عبارت بود از پشتیبانی از زنان روستایی به عنوان «تولیدکنندگان» و اولویت خاص آنها در دسترسی به منابع تولید بخصوص تکنولوژیهایی که بتوانند از مشقت، حجم و میزان کار آنان بکاهد و بر بهره وری آنها بیفزاید. گزارش بررسی جهانی سال (۱۳۶۳ و ۱۹۸۴م) نشان می دهد که تا پیش از این تاریخ هیچ کشور کم توسعه یافته ای در برنامه توسعه بخش کشاورزی خود، زنان روستایی را در نظر نداشته است، ولی از سال (۱۳۶۴، ۱۹۸۵م) تغییرات اساسی در این دسته از کشورها رخ داده است. سازمان خواروبار و کشاورزی در نود و چهارمین نشست خود در نوامبر ۱۹۸۸ برای حضور فعال زنان روستایی و مشارکت آنان در توسعه، یک برنامه کار طرح کرد و به کشورهای در حال توسعه توصیه نمود. برخی از کشورها مانند برزیل، پرو و کاستاریکا با پشتیبانیهای مالی FAO برنامه ملی برای زنان روستایی خود تهیه کرده اند. کشور تایلند در برنامه بیست ساله ۱۳۶۱ - ۱۳۸۱ (۱۹۸۲ - ۲۰۰۲م) خود بخش عمده ای را به زنان کشاورز روستایی اختصاص داده است. هند در هفتمین برنامه پنجساله ۱۳۶۴ - ۱۳۶۹ (۱۹۸۵ - ۱۹۹۰) و بنگلادش در برنامه پنجساله ۱۳۵۹ - ۱۳۶۴ (۱۹۸۰ - ۱۹۸۵) برای مشارکت زنان و بهره مندی آنان از منافع توسعه، سیاستهای خاصی طرح کرده اند. در تمامی این برنامه ها مشخص شده که منظور اصلی فقط توزیع منافع توسعه نیست، بلکه مشارکت

کامل و برابر زنان برای پیشگیری از سوء تخصیص منابع و سرمایه های ملی و بیشتر کردن تولید و بهره وری مورد نظر است. در گزارش بررسی جهانی سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹م) که اطلاعات دوره زمانی ۱۳۶۴ - ۱۳۶۷ تا ۱۹۸۵ را ارائه نموده است، تغییر مهم دیگری نسبت به دوره قبل دیده می شود. قبل از سالهای ۱۳۶۴ (۱۹۸۵)، کشورهای در حال توسعه ای که نسبت به مسایل زنان روستایی آگاهی داشته اند غالباً توجه خود را معطوف به پروژه های کوچک و خاص زنان کرده و در صدد فراهم آوردن رفاه بیشتر از طریق آموزشهای خانه داری بوده اند. به عبارت روشنتر، پروژه های «رفاهی» بیشتر مورد نظر بوده است. در حالی که در دوره بعد از ۱۳۶۴ (۱۹۸۵)، بحث از پروژه های «توسعه ای» است که هدفهای بسیار فراتر از پروژه های رفاهی را دنبال می کنند و به جای طراحی پروژه های کوچک و غالباً پراکنده در جهت تأمین رفاه بیشتر، قرار گرفتن زنان روستایی در جریان اصلی توسعه در تمام سطوح و مراحل برنامه ریزی و اجرا، از سیاستگذاران کلان تا فعالیتهای گوناگون در پروژه های خود مورد توجه واقع شده است. در این تغییر جدید، انتظار می رود که زنان روستایی در سطح کلان و در متن سیاستها و برنامه ها به صورت یک مجموعه واحد با مردان روستایی دیده شوند و در سطح خرد نیز زنان در تمامی فعالیتهای پروژه های مختلف حضور فعال داشته باشند. به طور کلی حمایت از زنان روستایی به عنوان «تولیدکنندگان کشاورز» علاوه بر مادران و مدیران خانواده مورد نظر است. بدین ترتیب روش طراحی و اجرای پروژه های کوچک، ناپایدار، پراکنده و دورافتاده از برنامه اصلی توسعه کنار گذاشته شد و اعلام گردید که برنامه های توسعه با پروژه های خاص زنان و یا اختصاص بخشی از پروژه چند منظوره به با زنان، در تحقق بهبود وضعیت زنان، موفقیت بسیار محدودی داشته است و باید زنان روستایی را همراه مردان در مجموعه برنامه های توسعه دید.

#### ۵- نقش تولیدی زنان روستایی

بر اساس مدارک و واقعیات موجود، زنان سهم عمده ای در فعالیتهای اقتصادی و تولیدی کشورهای در حال توسعه دارند. در این کشورها حوزه فعالیت اقتصادی آنها عمدتاً بخش غیر رسمی (سنتی) اقتصاد ملی است و به عنوان تولیدکنندگان جزء، فروشندگان کالا و یا کارگران خدماتی فعالیت می کنند. این تقسیم بندی بویژه در بخش کشاورزی مصداق روشتری دارد. در عین حال دستمزد زنان برای کارهای مشابه بسیار کمتر از مردان است. به طوری که در اکثر کشورهای در حال توسعه زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می کنند ولی حقوق آنها ۴۰ درصد کمتر از مردان است. به نظر کاندیوتی (DENIZ KANDIYOTI) کار در مقابل دستمزد در بخش رسمی اقتصاد، زمانی به زنان پیشنهاد می شود که به خاطر دستمزد کمتر آنان، منافع کارفرما در استخدام زنان مشهود باشد. اگر چه اصولاً کار و تولید در بخش سنتی سخت و طاقت فرسا است ولی علاوه بر آن، کارهای سخت تری نظیر جمع آوری هیزم و نشاء برنج در شالیزارها و یا کشاورزی در مزارعی که در شرایط مناسبی قرار ندارند، به عهده زنان روستایی واگذار می شود. این مسؤولیتهای در شرایطی است که آنان وقت و انرژی فراوانی را صرف تولید و نگهداری فرزندان و خانه داری می کنند. با وجود همه این مشکلات، زنان شاغل در بخش کشاورزی با درآمد ناکافی از منزلت و موقعیت اجتماعی متناسب با نقش اجتماعی خود نیز برخوردار نیستند. در چنین شرایطی زنان امکانات و ابزار لازم را برای تغییر وضع و بهبود فعالیتهای اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود ندارند. از جمله، راههای دسترسی به آموزش، کسب مهارت و تخصصها به روی آنها بسته است. تشکیل سازمانهای رسمی اقتصادی به وسیله آنها با مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اداری بسیاری روبه رو می شود. به منابع مالی و اعتباری (دولتی و غیر دولتی) به علت نداشتن وثیقه معتبر و به رسمیت نشناختن آنها به عنوان اعضای فعال اقتصادی جامعه به وسیله نهادهای سنتی و سازمانهای رسمی اعتباری، کمتر دسترسی دارند و اگر هم داشته باشند، امکان هزینه کردن مستقل وامها به ایشان داده نمی شود و... بسیاری از تحقیقات در زمینه اشتغال زنان

## اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

و موقعیت اقتصادی و تولیدی آنان در جامعه روستایی به این نتیجه رسیده است که عوامل بنیانی و مؤثر در پیدایش مشکلات فوق الذکر در کشورهای در حال توسعه) و حتی کشورهای صنعتی) عبارت است از:

۱- بی توجهی به فعالیتهای اقتصادی زنان بویژه در جامعه روستایی و مطرح نشدن و عدم تعریف آنها در اسناد رسمی کشورها و برجای ماندن نگرش سنتی به کار آنها

۲- تسلط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرد در جامعه و بخصوص در بخش روستایی و نقش فرعی و وابسته زنان

۳- تبعیض در شرایط اشتغال و کار زن در جامعه که عمدتاً محصول تسلط مردان است

۴- فرصتهای اندک زنان برای تحصیل و کسب مهارتهای جدید به علت اشتغال در خانه و عدم دسترسی کافی و لازم به نهادها.

بدین ترتیب عدم حضور زنان روستایی در سازمانها و نهادهای رسمی، واقعیتی است که ریشه در کمبودها، نارساییها، بی توجهی ها وامکانات دارد که زمانی که با عناصر فرهنگی و اصول حاکم بر تفکر و تلقی برنامه ریزان و مدیران و عامه مردم همراه می شود، به مرور زمان زن روستایی را به بی قابلیت و بی منزلتی می کشاند.

## ۶- زنان روستایی و تولید محصولات کشاورزی

در خصوص میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی برخی آمارهای غیر رسمی حاکی است آنان به میزان ۶۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه های روغنی و ۳۰ درصد در امور داشت باغها مشارکت دارند. اما چگونگی این مشارکت بستگی تام به خصوصیات فرهنگی مناطق، نوع نظام بهره برداری از اراضی، ترکیب اعضای خانوار، نوع فعالیت کشاورزی، خصوصیات طبیعی منطقه و عوامل اقتصادی اجتماعی دارد. به عنوان مثال، در مناطق شمالی کشور که زراعت برنج رایج است، به دلیل حجم بالای کار، زنان عهده دار بیش از ۶۰ درصد مراحل تولید این محصول هستند و یا در منطقه گرگان و رشت که ۷۰ درصد پنبه کشور تولید می شود به دلیل ظرفیتی که عمل برداشت پنبه دارد سهم زنان بیش از ۶۶ درصد عنوان می شود. زنان در بخش کشاورزی در هر سه مرحله کاشت، داشت و برداشت دخالت دارند. در مرحله داشت مشاهده شده که زنان در بذرپاشی و نشاکاری مشارکت دارند. در داشت، نقش زنان بسیار با اهمیت است؛ به طوری که در آبیاری پا به پای مردان کار می کنند و در وجین کردن و هرس گیاهان، از نیروهای اصلی به حساب می آیند و بالاخره در مرحله برداشت، تقریباً می توان گفت نقش زنان تعیین کننده است. البته باید خاطر نشان ساخت که سهم زنان در مراحل سه گانه بستگی به نوع کشت در مناطق مختلف دارد. به عبارت دیگر تقسیم کار بر اساس جنس، وابسته به درجه توسعه منطقه روستایی، میزان ارتباط محصول با بازار و مقدار در دسترس بودن نیروی کار مردان می باشد. در برخی نقاط ایران، تقسیم کار کشاورزی میان زن و مرد، بر اساس تنوع محصول صورت می گیرد. مثلاً مردان در زراعت گندم و زنان در تولید توتون دخالت دارند. در بعضی نقاط دیگر، زنان و مردان نقش مکمل را ایفا می کنند. مثلاً در شمال ایران زن و مرد در مراحل مختلف تولید برنج انجام وظیفه می کنند. فعالیت کشاورزی زنان در روستاهای ایران در سه مقطع تاریخ معاصر توسعه روستایی تحت تأثیر عوامل توسعه ای بوده است. قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، طبق قوانین عرفی موجود در ایران، زنان از دسترسی به زمینهای زراعی دور نگهداشته شده بودند. بر طبق سنت رایج، اگر کشاورز در نظام مزارع به کشت و زرع مشغول بود و در عین حال مقدار نسق زراعی او زیاد بود، مجبور بود از نیروی کار خانوار و از جمله نیروی کار زن خانوار استفاده کند. اگر مقدار نسق زراعی کم بود، زن خانوار در بعضی موارد مجبور به کار در مزارع سایرین به صورت دستمزدی بود. در بعضی موارد نیز زنان مجبور به کار در سایر بخشها می شدند. قبل از اصلاحات ارضی به علت سنتی بودن ابزار و وسایل

## اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

تولید، در محصولات کاربر نقش، زنان عمدتاً مربوط به مراحل داشت و برداشت بود. در کشت محصول، در اکثر مزارع چیدن پنبه انحصاراً در اختیار زنان بود. در همین مقطع (قبل از سال ۱۳۴۱)، در کشت برنج نقش زنان آشکار است. در شخم زدن و آماده کردن زمین، در ماله کشی نوبت سوم، شرکت می کردند. همچنین در تهیه کود طبیعی نقش فعالی داشته اند. تهیه بذر و آماده ساختن آن برای انتقال به خزانه، کار زنان بوده است. نشاکاری یا مهمترین مرحله زراعی برنج کاملاً به وسیله زنان انجام می گرفت. وجین کاری که کاری طاقت فرساست توسط زنان صورت می پذیرفت. مرحله دوم درو به وسیله مردان و زنان مشترکاً و خرمن کوبی به وسیله مردان صورت می گرفت. خشک کردن برنج و پوست گیری آن اختصاصاً به عهده زنان بوده است. بالاخره باید از مشارکت زنان در کشت گندم قبل از اصلاحات ارضی نام برد. در کشت این محصول، مراحل کاشت و داشت عمدتاً با مردان است، اما زنان به هنگام برداشت درو، خرمن کوبی، باد دادن محصول و خوشه چینی فعالانه شرکت داشتند.

## ۷- زنان روستایی و فعالیتهای دامداری

یکی دیگر از نقشهای مهم زنان روستایی مشارکت اساسی در فعالیتهای دامداری می باشد. در این خصوص می توان به آمارهای غیر رسمی زیر اشاره داشت:

- انجام ۹۰٪ فعالیتهای مربوط به پرورش کرم ابریشم

- مشارکت زنان روستایی منطقه ایلام در پرورش دام و صنایع دستی به میزان ۶۵٪

متوسط درصد سهم زنان در مراحل مختلف را می توان به صورت زیر خلاصه نمود:

مراحل متوسط درصد سهم زنان ملاحظات

چراغ ۲۳٪/با استفاده از درصد موجود در ۱۵ استان کشور

تعریف ۴۱٪/با استفاده از درصد موجود در ۲۰ استان کشور

مراقبت از دام ۴۲٪/با استفاده از درصد موجود در ۱۹ استان کشور

شیردوشی ۸۶٪/با استفاده از درصد موجود در ۲۰ استان کشور

مأخذ: نقش اجتماعی اقتصادی زنان روستایی در تولید، مرکز تحقیقات روستایی

و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، ۱۳۷۰.

بدیهی است فعالیت زنان روستایی در مراحل مختلف پرورش دام، دارای تأثیر مثبت در درآمد خانوار روستایی بوده و صرفه جویی در هزینه ها را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر این فعالیتها به لحاظ تأمین پروتئین مورد نیاز کشور و تولید ملی نیز حائز اهمیت فراوان می باشد.

## ۸- توانمند سازی زنان روستایی

توانمندسازی فرایندی است که طی آن فرد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیتهایی انجام می دهد که بر اساس نیازها و خواسته های درونی خود می باشد که پس از آگاهی از آن خواسته ها جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می کند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته های خود برخوردار می شود. زنان روستایی بخش قابل توجهی از وقت و انرژی خود را در قالب تعهدات خانوادگی صرف فعالیتهایی می کنند که غالباً در محاسبات تولید و درآمد ملی نادیده گرفته می شود و عمده ترین بازتاب این نادیده انگاری در افزایش نابرابری و کاهش بهره مندی آنها از منابع دیده می شود لذا در خصوص زنان

روستایی نیز واژه توانمند سازی را می توان سطحی از توسعه مرزی دانست که فرد بواسطه آن امکان انتخاب بر اساس خواست های خود می یابد و بر موانع پیشرفت غلبه می یابد.

### ۹- نقش زنان روستایی در تولید و توسعه کشاورزی

جایگاه و نقش زن روستایی در توسعه کشاورزی بر کسی پوشیده نیست. براساس اطلاعات و آمار فائو زنان روستایی حدود ۴۰ درصد فعالیتهای کشاورزی را به خود اختصاص می دهند. در حقیقت زنان روستایی به عنوان نیروی کار جمعیت زیادی را در همه کشورهای در حال رشد و از جمله کشور ایران تشکیل می دهند و این جمعیت در برخی از کشورها به بیش از ۸۰ درصد نیروی فعال در بخش کشاورزی می رسد. اگر بخواهیم نقش زنان روستایی را در توسعه روستا بیان نماییم می توان به نقش عمده آنها در فعالیتهای کشاورزی و تولیدات دامی، زراعی و باغی، صنایع دستی روستایی و نیز فراوری و نگهداری و فروش محصولات کشاورزی اشاره کرد.

### ۱۰- آموزش زنان روستایی

با توجه به اهداف سازمان جهاد کشاورزی در زمینه آموزش زنان روستایی که مهمترین آن بحث توانمندسازی زنان روستایی می باشد از طریق طرحهای آموزش زنان صورت می گیرد که این طرح از طریق اجرای کلاسهای آموزشی کوتاه مدت و بلندمدت، بازدیدهای آموزشی، کارگاههای آموزشی در زمینه های مختلف و عناوین متفاوت بر اساس نیازسنجی انجام شده صورت می پذیرد. کارگاههای الگویی آموزشی اشتغالزا نیز با هدف الگوسازی فعالیتهای اشتغالزا از جمله کارگاههای پرورش طیور بومی، دام و آبزیان در استخرهای آب کشاورزی، پرورش قارچ خوراکی و... از دیگر این برنامه هاست. یکی دیگر از طرحهای مهم در این زمینه طرح ایجاد و توسعه صندوقهای اعتبارات خرد زنان روستایی و نیز طرح انتخاب و آموزش تسهیلاتگران توسعه روستایی می باشد.

### ۱۱- ارتقاء سطح آموزشی و مهارتی زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی و کشاورزی

سرمایه گذاری در آموزش زنان روستایی موجب ارتقای سطح بهره وری، افزایش تولید و درآمد خواهد شد. معمولاً اجرای طرحهایی مانند طرحهای توسعه صندوقهای اعتبارات خرد زنان روستایی با توجه به توانمند سازی زنان در ابعاد مختلف با بهره گیری از آموزشهای عمومی مانند اصول مشارکت، تسهیلمگری، کارآفرینی مقدماتی و پیشرفته و آموزشهای تخصصی بخش کشاورزی و نیز بهره مندی از منابع مالی جهت گسترش فعالیتهای درآمدزا از طرحهای توسعه ای پایدار محسوب می شود که می تواند زمینه ساز و بسترساز اجرای طرحهای اشتغالزایی در روستاها باشد. طور کلی فعالیتهای مربوط به امور زنان روستایی با توجه به حجم اندک اعتبارات طرحها نسبت به میزان متقاضیان بخش پاسخگوی نیاز در این زمینه نمی باشد.

### ۱۲- نقش زنان در توسعه روستایی

از همان اوایل خلقت آدم تاکنون، زنان دوشادوش مردان روستایی به فعالیت پرداخته و در توسعه روستایی از مردان هم جلو زده اند زیرا علاوه بر شغل اصلی شان (تربیت فرزندان و خانه داری) در امر کشاورزی هم به مانند مردان ایفای نقش کرده اند که امارهای رسمی و غیر رسمی دلالت بر این موضوع دارند مثلاً: ۶۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه های روغنی و ۳۰ درصد در امور داشت باغ ها مشارکت دارند. اما چگونگی این مشارکت بستگی تام به خصوصیات فرهنگی مناطق، نوع نظام بهره برداری از اراضی، ترکیب اعضای خانوار، نوع فعالیت کشاورزی، خصوصیات طبیعی منطقه و عوامل اقتصادی اجتماعی دارد. به عنوان مثال، در مناطق شمالی کشور که زراعت برنج رایج است، به دلیل حجم بالای کار، زنان عهده دار بیش از ۶۰ درصد مراحل تولید این محصول هستند و یا در منطقه گرگان و

رشت که ۷۰ درصد پنبه کشور تولید می شود به دلیل ظرافتی که عمل برداشت پنبه دارد سهم زنان بیش از ۶۶ درصد عنوان می شود. علاوه بر این در امر دامداری هم پایا پای مردان به فعالیت پرداخته اند: ۸۶ درصد در امر شیردوشی، ۴۱ درصد در تعلیف دام و ۴۲ درصد در مراقبت از دام شرکت داشته اند. لازم به ذکر است که بحث توسعه روستایی خیلی گسترده تر از آن است که بتوان در این جا به تمام جنبه های آن پرداخت به همین خاطر تنها از جنبه کشاورزی آن را بررسی کرده ایم و به تبع آن، به تمام فعالیت زنان در توسعه روستایی پرداخته نشده است و گر نه نقش زنان در توسعه روستایی بسی بیش تر است مثلاً در امر نساجی و قالی بافی که یکی از پایه اقتصاد روستایی می باشد نزدیک ۱۰۰ درصد فعالیت ها را به خود اختصاص می دهند.

### ۱۳- موانع فعالیت زنان در روستا

موانع متعددی، در مسیر مشارکت و نقش آفرینی زنان وجود دارد که می توان آن را به عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی تقسیم بندی نمود.

#### الف - عوامل فردی

- ۱- از جمله عوامل، پایین بودن سطح سواد زنان روستایی است.
- ۲- حجم زیاد فعالیت زنان و افزایش کار داخل و خارج از خانه به دلایل مختلف از جمله مهاجرت فصلی مردان و تنوع زیاد کار زنان روستایی ( بچه داری، امور منزل، و ...)
- ۳- کم بودن اطلاعات، دانش، آگاهی های علمی و کاربردی آنها سبب شده است که زنان با وجود برعهده داشتن بطور متوسط ۵۰ درصد تولید کشاورزی، فقط توانسته اند ۵ درصد از منابع آموزش ها و تعلیمات ترویجی را به خود اختصاص دهند.
- ۴- سوء تغذیه و پایین بودن ضریب سلامت و بهداشت فردی.

#### ب) عوامل خانوادگی

- ۱- بافت مردسالاری جامعه و تعصبات خانوادگی بصورت موافقت نکردن پدر یا همسر با حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی به دلایل مختلف فرهنگی
- ۲- باور و نگرش منفی نسبت به توانایی زنان و تبعیض های جنسیتی.
- ۳- فقر اقتصادی خانواده

#### ج) موانع اجتماعی

- ۱- آداب و سنن غلط نظیر خرافات، تقدیرگرایی و ...
- ۲- دسترسی پایین زنان به اعتبارات و تسهیلات نهادها و عوامل تولید.
- ۳- دور از دسترس بودن خدمات ترویجی، جهت گیری فعالیت های اجتماعی و برنامه های مشارکتی به سمت مردان
- ۴- کمبود متخصصان زن در جهت آموزش زنان روستایی
- ۵- مشکلات دسترسی به خدمات و تسهیلات اجتماعی و بهداشتی
- ۶- پایین بودن دستمزد زنان روستایی در مقایسه با مردان
- ۷- حضور بسیار اندک سازمان های غیردولتی زنان برای پیگیری مسائل و مشکلات زنان روستایی
- ۸- حضور کم زنان در مدیریت روستا و نهاد دهیاری.



۶۰ درصد فعالیت های کشاورزی برعهده زنان روستایی است/ تنها ۱۰ درصد از زنان روستایی از دوره های آموزشی بهره برده اند

زنان روستایی در ایران ۶۰ درصد فعالیت های کشاورزی، ۶۳ درصد فعالیت های دامداری و عمده فعالیت های باغداری و همچنین فعالیت های پس از برداشت محصولات شامل فرآوری تولیدات را به عهده دارند. با این وجود سهم زنان روستایی از آموزش بسیار ناچیز است. برای مثال در عرصه کشاورزی تنها یک درصد از خدمات ترویجی برای زنان طراحی و اجرا می شود. براساس نتایج پژوهشی فقط ۱۰ درصد از زنان از دوره های آموزشی- ترویجی بهره برده اند در حالیکه این رقم برای مردان سه برابر است. این مسئله حاکی از آن است زنان روستایی در زمینه دسترسی به آموزشهای ترویجی محدودیت دارند.

### نتیجه گیری

از آنجایی که زنان روستایی در جامعه ما و بسیاری از کشورهای در حال توسعه گرفتار معضلات و کاستیهای فراوان هستند، پرداختن به نقش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان در فرآیند توسعه روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چنانچه معتقد باشیم زنان روستایی در جامعه روستایی، نظام تولید و بازخور مسایل فرهنگی و اجتماعی نقش مؤثر و تعیین کننده ای ایفا می نمایند، بنابراین لاجرم در پژوهشها و تحقیقات باید جایگاهی خاص و مترادف اهمیت وجودی و نقششان را بیابند. به همین نسبت ضروری است در آموزشهای متناسب با فعالیت و پیشه در ابعاد و عرصه های مختلف زندگی جهت ارتقاء بینش، دانش و نگرش آنان اهمیتی خاص داشت.

### مراجع

- ۱- آمارتیا سن - توسعه به مثابه آزادی - حسین راغفر - انتشارات کویر - چاپ اول - ۱۳۸۱.
- ۲- اسدی، علی، توسعه بر جاده تکنولوژی می تازد، نشریه تدبیر، شماره ۳، مرداد ۱۳۶۹.
- ۳- انصاری، حمید، تعاونیهای زنان روستایی ضرورت یا موج، همان منبع، ص ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۲۲.
- ۴- اوکلی، پیترو و همکاران - ۱۳۷۰ - رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی - ناشر مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی - نشر ارغوان.
- ۵- بررسی وضعیت موجود زنان روستایی ایران، ج ۲، انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی، ۲۲۷.
- ۶- بررسی وضعیت موجود زنان روستایی ایران، ج ۲، انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی، ص ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۷.
- ۷- پاپلی یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱ - نظریه های توسعه روستائی - تهران - انتشارات سمت. ۵- زنان در نیروی کار - گزارش جهانی کار - دفتر بین المللی کار ژنو - ۱۹۸۵.
- ۸- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. نقش زنان در معیشت خانواده
- ۹- شادی طلب، ژاله، زنان کشاورز ایرانی در برنامه های توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، بهار ۷۴، ص ۳۰ و ۳۱.
- ۱۰- کار، مهرانگیز - ۱۳۷۳ - زنان در بازار کار ایران - انتشارات روشنگران.
- ۱۱- گلابی، سیاوش، سازمان مدیریت و منابع انسانی، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۹.
- ۱۲- گلابی، سیاوش، فرآیند توسعه جامعه ایران، نشریه تازه های اقتصاد، سال اول، شماره ۱۲، مهر ۱۳۶۹.
- ۱۳- گیتی اسصطلخ زیر، نقش زنان در توسعه روستایی.
- ۱۴- لهسایی زاده، عبدالعلی، بررسی جامعه شناختی نقش زن در کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، بهار ۷۴، ص ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۷۵.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

- 
- ۱۵- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی، چاپ ۱۳۶۳، ج ۱، تهران، وزارت برنامه و بودجه.
- ۱۶- محمدرضا میرزا امینی - مقاله: زنان و توسعه روستایی.